



بی‌نظیر در میان کتاب‌های

«روایت پیشرفت»

محمد قاسمی‌پور

پژوهشگر
و منتقد



کتاب «شریان مکران» در میان کتاب‌های روایت پیشرفت بی‌نظیر است، ضمن این‌که مؤلف الگوی خاصی برای نوشتن ندارد و با حضور در میدان و کنکاش درباره پروژه، روایت احداث خط لوله را به نگارش درآورده است.

راوی تلاش کرده که روایت به سمت خاطره نرود، اما من کتاب را که خواندم، حسم این است که اگر یکی دو مؤلفه جدی در کار پررنگ می‌شد، کتاب بهتری از آب درمی‌آمد؛ به‌طورمثال «زمان و مکان»، برای این‌که خواننده عام بتواند این کتاب را بخواند، باید درباره مکان‌ها یا شهرهایی که راوی به آنها سفر کرده و خط لوله از آن گذشته است، اطلاعات بیشتری آورده شود.

بوشهر علی‌رغم داشتن نیروگاه اتمی و سایر امکانات، شهر محرومی است و شاید عده زیادی از مردم نام بسیاری از شهرهای اطراف آن را نشنیده باشند. در کتاب نام گوره، اهرم و سایر مکان‌ها آورده شده، اما اطلاعات کافی ذکر نشده است.

همچنین خط لوله از مسیری گذشته که در آن اطلاعات تاریخی و فرهنگی زیادی وجود دارد که بخشی از آن خوب بود در کتاب جای می‌گرفت. ازجمله این‌که در برخی شهرهای آن مسجد جامع‌هایی از قرن ۳ و ۴ وجود دارد یا قلعه و تأسیساتی که از زمان خیلی دور ساخته شده است و ذکر آن در کتاب برای جذب مخاطب عام خوب بود.

بحث زمان در ارتباط ما با موضوع و خط لوله‌ای که در حال پیشرفت است و از یک شهر جدید عبور می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. روایت از دوران کرونا آغاز می‌شود، زمانی که هنوز در یاد ما باقی است. ذکر این موضوع مفید است، اما پس از آن سه سفر در ماه رمضان صورت می‌گیرد که تنها نامی از رمضان به میان می‌آید، بدون اشاره به این‌که رمضان در تابستان یا بهار است. همچنین، درباره روزهای هفته نیز صحبتی نشده است؛ به‌عنوان مثال، در روز جمعه مردم در این کرانه چه فعالیتی دارند؟ به کجای می‌روند؟ در این میان، تنها خط لوله در حال پیشرفت بود و عدم ذکر زمان به خصوص بسیار آزاردهنده بود.

گاهی روایت جنبه مقاله و پژوهش پیدا می‌کند، آنجا که بحث خام‌فروشی مطرح است. در ابتدای روایت که هنوز در مدار سیر خط لوله قرار نگرفتیم، مخاطب را در جریان برخی مسائل قرار می‌دهد که چندان ربطی به موضوع ندارد.

به نظر می‌توانست در پانویست بیاید یا به صورت گزیده‌تر در کتاب جای بگیرد. در پروژه خط انتقال لوله نفت ما هیچ چشم‌آبی و موبوری نمی‌بینیم، همه مهندسان و کارگران ایرانی هستند. اما راوی کمتر به مهندسان و کارگران نزدیک شده و ترجیح داده از دور از آنها نامی ببرد. به‌عنوان مخاطب برای همراه شدن با روایت دوست داشتم قدری اطلاعات درباره آنها داشته باشم، هرچند اطلاعات ناقصی از آنها وجود دارد، اما نه بیشتر.

فصل دوم نشست‌های «روایت پیشرفت» با موضوع کتاب «شریان مکران» در قالب بیست‌ونهمین جلسه از سلسله نشست‌های «عصرانه کتاب» در مرکز مطالعات راهبردی ژرفا برگزار شد. در این برنامه مهدی قزلی، مؤلف کتاب و محمد قاسمی‌پور، منتقد و پژوهشگر حضور داشتند.

نوک پیکان توسعه کشور

مهدی قزلی، نویسنده درباره ایده کتاب شریان مکران گفت: دوست داشتم درباره هزار کیلومتر سواحل مکران تا بندرعباس تا پسابندر پیمایش کنم و بود و نبود این منطقه را بنویسم؛ منطقه بکری که می‌تواند با تکیه به عمق استراتژیک ایران، نوک پیکان توسعه کشور باشد. به‌هرحال بیش از ۱۰ سال دغدغه نوشتن از سواحل مکران را داشتم. کرانه دریای آزادی که در دنیا برای ۱۰ کیلومتر آن و رسیدن به آب گرم چه کارها که نمی‌کنند و ما هزار کیلومتر آن را داریم، اما انگار نه انگار! شبیه شوخی است، چرا؟ برای این‌که در این کرانه هزار کیلومتری ۴۰۰ هزار نفر زندگی می‌کنند، درحالی‌که در کرانه شمالی کشور تقریباً ۸-۷ میلیون نفر سکونت دارند. این دو عدد نشان‌دهنده آن است که در کرانه شمالی توجه به لحاظ جغرافیای اقلیمی روی داده است اما در کرانه مکران نه!

او افزود: این دغدغه که ناشی از توسعه است همیشه در ذهنم بود که تک‌نگاری خوبی از مکران داشته باشم. هرچند در این اواخر جرقه‌هایی درباره حرکت‌هایی در این کرانه زده شد ازجمله حرف انتقال پایتخت به مکران. همچنین در دیدار شهید رئیسی و پوتین، مدیرعامل راه‌آهن ایران هم حضور داشت، چون قرار بود راه‌آهن چابهار-زاهدان راه‌اندازی و به بندرانزلی یا جلفا وصل شود برای دسترسی روسیه به چین و هند که حلقه مفقوده آن فاصله بین چابهار تا زاهدان است!

سابقه کار با شرکت نفت را داشتم

قزلی در ادامه بیان کرد: در کرانه مکران امکاناتی وجود دارد که بهره‌برداری از آن باعث می‌شود این کرانه به سرعت پیشرفت کند، درحالی‌که سواحل کشورهای همسایه از مساحت کرانه ساحلی مکران برخوردار نیستند، اما وضعیت خیلی بهتری به لحاظ توسعه دارند. خلاصه سخن این‌که در این کرانه امکاناتی وجود دارد که می‌تواند شرایط امروز ما را تغییر دهد.

این مؤلف درباره دلایل نوشتن از شریان مکران گفت: برای نوشتن از مکران تلاش زیادی کردم تا عاقبت سراغ وزارت نفت رفتم. چون می‌دانستم قرار است که در غرب مکران (جاسک) پروژه‌های نفتی آن شروع شود. بعد از



این‌که پیشنهاد تک‌نگاری را دادم، آنها گفتند به جای ایده خود، روایت خط لوله مکران را بنویس. چندان علاقه‌ای به انجام این کار نداشتم، اما به دلیل این‌که خط لوله مکران به جاسک می‌خورد و موضوع توسعه جاسک در غرب این خط ساحلی در سند بالادستی نفت مطرح بود، از طرفی سابقه کار با شرکت نفت را در پروژه کتاب «جای پای جلال» را هم داشتم، نوشتن درباره سیر احداث خط لوله از گوره به جاسک را پذیرفتم.

قزلی در ادامه گفت: بنابراین دغدغه اول من سواحل مکران در موضوع توسعه بود که برای همین چند سفر رفتم از گوره تا وسط خط، جاسک و بندرعباس. سابقه تحصیل در دانشگاه امیرکبیر هم به کار آمد و درمجموع کتاب نحیف شریان مکران نوشته شد که البته پروژه توسعه مکران، پروژه بزرگی است که ربطی به هیچ گروه یا جناح سیاسی ندارد، ایده آن هم در اوایل دهه ۶۰ و در زمان جنگ ایران و عراق از سوی مهندس اکبر ترکان مطرح شد تا در دولت حسن روحانی این پروژه به ثمر رسید. هرچند تا به امروز این خط لوله به ظرفیت نهایی خودش نرسیده است.

موضوع برایم ملموس بود

نویسنده کتاب شریان مکران درباره سرعت در نوشتن و چاپ کتاب عنوان کرد: زمانی که ایده نوشتن احداث انتقال نفت از گوره به جاسک مطرح شد تا منتهی به چاپ کتاب شود، یک سال بیشتر طول نکشید. چون من به منطقه آشنا بودم و موضوع برایم ملموس بود و ارتباط با نفر اول پروژه هم مقدور. مهندس جعفرزاده، قائم‌مقام پروژه در دسترس بود و همه کاره. اگرچه اصرار بر این بود که پروژه خط لوله تا پایان دولت روحانی به صورت کتاب دربیاید. برای همین ویرایش نخست کتاب آماده شد و در انتشارات جام‌جام به چاپ رسید. پس از آن چاپ دوم در سوره مهر منتشر شد. قزلی گفت: زمانی که روایت را نوشتم، بازه زمانی مورد نظر بود که باعث شد در نوشتن از بعضی اطلاعات و افزوده‌ها صرف نظر کنم. ضمن این‌که اشاره کردم کتاب باید در زمان دولت روحانی منتشر می‌شد. در همان زمان یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از منتقدان جدی پروژه خط لوله بود. او معتقد بود چرا یک میلیارد دلار در این زمان باید صرف این پروژه شود؟ مهندس جعفرزاده برای قانع کردن کمیسیون اصل ۹۰ باید به آنها توضیح می‌داد، اما توضیحات آن قدر تخصصی بود که متوجه نمی‌شدند. پس از آن‌که کتاب شریان مکران روایت خط لوله نوشته شد، به‌اعضای کمیسیون اصل ۹۰ داده شد تا آنها در جریان پروژه قرار بگیرند. پس از خواندن گزارش توانستند موضوع را دریابند.



پروژه توسعه

مکران، پروژه

بزرگی است که

ربطی به هیچ

گروه یا جناح

سیاسی ندارد

ایده آن هم در

اوایل دهه ۶۰ و در

زمان جنگ ایران

و عراق از سوی

مهندس اکبر

ترکان مطرح شد

